

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

صباراهی
۲۳ دسمبر ۲۰۱۴

امپریالیسم امریکا و سازمان مخوف شکنجه و آدم کشی سی. آی. ای.!

رابرت فیسک(۱): " او، حسنین هیکل روزنامه نگار مصری بود که برای اولین بار نوشت چگونه سی. آی. ای. فلم شکنجه کردن یک زن توسط پولیس مخفی(ساواک) شاه برای به حرف درآوردن او را دست به دست بین پولیس مخفی سایر کشورها می گرداند تا آنها یاد بگیرند که چگونه یک زندانی زن را با اعمال اینگونه شکنجه ها وادار به حرف زدن کنند."

مبارزان راه رهائی از سلطه امپریالیسم، با شناخت علمی که از ماهیت امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله از سرمایه داری دارند از ماشین دولتی سرکوب و سلطه گسترانه آن مانند سازمان مخوب سی. آی. ای. نیز به خوبی آگاهند. "سی. آی. ای." ی که طراح کودتاها، تغییر رژیم ها و "انقلابات مخملی" در سراسر دنیا می باشد.

برای افرادی که به قولی رفیق ارجمندی "خود کمونیست" نامیده هستند، برای شیرفهم شدن شان بهتر است که از واژه "دلبخواه" شان "غرب" استفاده شود، تا بار دیگر ماهیت مکارانه و ضدکارگری آنها برملا شود! چرا ضدکارگری؟ برای این که کمونیست های واقعی برای آگاهی هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان نسبت به مسائل مهم سیاسی موضع گیری دارند تا ماهیت دشمنانشان را بیشتر برجسته سازند. این عده که کیلویی از "اسلام سیاسی" می نویسند، که معلوم نیست، که فردای سرنگونی "اسلام سیاسی" در ایران چه موضوع دیگری برای نوشتن دارند، کمپین علیه "شکنجه و اعدام" به راه می اندازند و عکس نیم قد، اسم و تیلیفون و آدرس ایمیل و آدرس سایت و غیره را نیز پای آن می اندازند، هرگز دیده نشده که از شکنجه های سی. آی. ای. یا موساد صهیونیست ها حرفی به میان بیاورند، گویی که فقط در "اسلام سیاسی" در ایران شکنجه و اعدام و سر به نیست کردن زندانیان سیاسی مطرح است! یا که ... اینها از این که عده ای معتقد به "اسلام سیاسی" در گوانتامو بی و زندانهای سیار سی. آی. ای. در جاهای مختلف شکنجه می شوند ککشان هم نمی گزد تازه خوشحال هم هستند! اگر اینطور نبود خب یک اطلاعیه هم علیه شکنجه ها و سر به نیست کردن افراد توسط سی. آی. ای. و موساد صادر می کردند. سی. آی. ای. مخوف قلدر که هیچ، اسرائیل صهیونیست که حتی فلسطینیان مشکوک به "ترویست" را بی هیچ دادگاهی به رگبار می بندد درست مثل همتای "اسلام سیاسی" اش در ایران! پس چرا این افراد که برخی شان خود را "زندان" رفته هم جا می زنند و امروز هم شده اند " رئیس کمیته لغو اعدام" حرفی درباره "غرب مدرن و متمدن" و ماشین شکنجه و آدم کشی و آدم ربائی آن نمی گویند؟

در کنار این دسته رژیم "اسلام سیاسی" در ایران هم شکنجه گری سی. آی. ای. را محکوم نکرد، خب چرا بکنند؟ خودش آنقدر جنایتکار است که سی. آی. ای. مخوف نیاز نداشت وقتی آن را بر قدرت نشانند تعلیم دهد، تازه ساواکی های تعلیم دیده موساد و سی. آی. ای. هم به استخدام آن درآمده بودند و شکنجه گران جدید را تعلیم می دادند. فقط ملاحظه بفرمائید چه کسانی با این قبیل خبرها هیچ موضع گیری ندارند! هم "اسلام سیاسی" ها و هم "خود کمونیست های کیلویی نویس" از همه رقم!

ولی، چه کسی دست به "افشا"ی شکنجه گری های سی. آی. ای. زده است؟ و چه کسانی در خود امریکا آن را محکوم کرده اند؟

جریان "انتخابات" در ایران را که به خاطر داریم! **میرحسینی** ها دست به افشای **احمدی نژادی** ها زده بودند! جانی هائی که هر دو دستشان به خون زندانیان سیاسی دهه شصت تا شانۀ شان آغشته است! و از همه مضحک تر این بود که **میرحسین موسوی** یکی از جلادان زندانیان سیاسی دهه شصت می گفت: "جمهوری اسلامی دوران طلایی امام نه یک کلمه کمتر و بیشتر!" یعنی توهین به شعور مردم از این بیشتر محال است! اما جریان افشاءگری سنای امریکا هم عین حکایت همان "افشاءگری" های جناح های جانی رژیم جنایت زای اسلامی وابسته به "غرب" است!

حالا چرا سطر اول این نوشته با نقل قولی از **رابرت فیسک** روزنامه نگار انگلیسی شروع شد، در مقاله ای که ایشان در برخورد به شکنجه های سی. آی. ای. داشته است برای این که رذالت بی حد و اندازه سی. آی. ای. در تعلیم دادن شکنجه گران را به نمایش بگذارد از **حسنین هیکل** روزنامه نگار مصری نقل قول آورده است! این دو، **رابرت فیسک** و **حسنین هیکل** روزنامه نگار هستند، هر دو موئی در این راه حساسی سفید کرده اند، هر دو آنقدر که در جنگ ها بوده اند در "ضیافت ها" نبوده اند، **رابرت فیسک** بیش از هر روزنامه نگار انگلیسی در مورد جنایات اسرائیل جانی زاده در حق فلسطینیان، در رابطه با عراق و افغانستان نوشته و می نویسد، اما شما کدام یک از روزنامه نگاران به اصطلاح "معروف" ایران را دیده اید که این جنایات، شکنجه گری های مخوف سی. آی. ای. و موساد را احياناً محکوم کند یا قلمشان را بچرخاند و در اینباره بنویسد؟ آیا این دسته از روزنامه نگاران "دشمن مردم" ایران نیستند؟ به عبارتی واضح تر دشمن کارگران و زحمتکشان و محرومان ایران نبوده و نیستند؟

در ایران در حال حاضر دو نسل با مستندات خود از شکنجه های مخوف ساواک شاه جلا و واوامای خمینی جلا نوشته اند، با خود فکر می کنم آیا رذل تر از شکنجه گر و توابین همکار شکنجه گر هم پیدا می شود؟ آنهم شکنجه گران "ایرانی" که شکنجه هایشان دست به دست برای تعلیم سایر شکنجه گران توسط سی. آی. ای. ارباب شان می چرخد؟ گفتم همکار شکنجه گر، یادم آمد که برخی از آن خود را کمونیست نامیده، نوشته های یک تواب همکار شکنجه گر را در سایت هایشان مثل نقل و نبات منتشر می کنند و یکی از آنها هم که خود زندانی بوده با "شهامت" تهوع آوری وکیل موافق این گونه افراد شد.

این قلم با هر نوع شکنجه، تأکید می کنم با هر نوع اعمال شکنجه چه روحی چه جسمی مخالف است! اما با مجازات مرگ برای سردمداران رژیم اسلامی وابسته به امپریالیسم که بهترین فرزندان ایران را به خاطر عقایدشان شکنجه و اعدام کردند موافق است، منتهی نه با چوبه دار بلکه با گیوتین!

هیچ کس نباید به خاطر عقایدش شکنجه و کشته شود!

اگر فرصت شد نوشته **رابرت فیسک** را در لینک زیر بخوانید استفاده از نوشته و نقل او به معنی تأیید دیدگاه های سیاسی این روزنامه نگار نیست اگر چه نسبت به سایر روزنامه نگاران مسؤولیت های انسانی اش (همان وجدان) اغلب بر مسؤولیت حرفه اش غلبه می کند.

(۱)

<http://www.independent.co.uk/voices/comment/robert-fisk-on-the-cia-torture-report-once-again-language-is-distorted-in-order-to-hide-us-state-wrongdoing-9924501.html>

ارسال شده توسط [mahisiah kochooloo](#) در ۱۰:۲۱

دوشنبه ۱ دی ۱۳۹۳ ه.ش.